

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹

صص ۲۱۰-۱۸۶

بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی

دکتر محمدباقر چوخابی زاده مقدم* - استادیار جغرافیا، دانشگاه امام حسین (ع)

داوود امینی قشلاقی - کارشناس ارشد جغرافیای نظامی و مرئی جغرافیا، دانشگاه امام علی (ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۷

چکیده

استان آذربایجان غربی به علت همجواری با سه کشور مهم منطقه خاورمیانه و قفقاز جنوبی یعنی ترکیه، عراق، جمهوری آذربایجان (منطقه خودمختار نخجوان)، همچنین به علت موقعیت حساس ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک به عنوان دروازه ورود و پل ارتباطی ایران به اروپا، در بین ۱۶ استان حاشیه‌ای ایران، پس از خوزستان بی‌شک مهم‌ترین استان مرزی ایران می‌باشد. خط مرز سیاسی این استان از دره رودخانه زاب کوچک واقع در جنوب سردشت در همسایگی کردستان عراق تا بورآلان (دیم قشلاق) در شمالی‌ترین نقطه مرزی این استان با کشور ترکیه به علت متأثر شدن از ویژگی‌های خاص جغرافیایی (طبیعی و انسانی) از قبیل کوهستانی و صعب‌العبور بودن و تحرکات قومیتی، به عنوان یکی از ناآرام‌ترین خطوط مرزی کشور تلقی می‌شود. معضلات متعدد اجتماعی، نظامی و سیاسی از قبیل قاچاق کالا و سوخت، مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسلحه و مهمات، درگیری نیروهای نظامی - امنیتی با گروهک‌های ملی‌گرای کرد، تنش‌ها و چالش‌های قومی - مذهبی بین اقلیت‌های کرد و ترک آذری از شایع‌ترین مواردی هستند که بسترهای ناامنی در این مناطق مرزی را فراهم آورده‌اند.

در این تحقیق با تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته، وجود محدودیت‌ها و بی‌عدالتی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، عدم اتخاذ راهبردهای مناسب نظامی - امنیتی و تحولات مناطق کردنشین عراق و ترکیه در گسترش ناامنی در منطقه مؤثر شناخته شده و در راستای تأمین امنیت بهینه و ممانعت از گسترش روزافزون تهدیدات و مناقشات در مناطق مرزی استان به ارائه راهکارها و پیشنهادهای لازم از بعد نظامی - امنیتی پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان غربی، امنیت، کرد، مرز سیاسی، جغرافیای نظامی - امنیتی.

مقدمه

پایدارترین عنصر در امنیت ملی ایران در قرون و اعصار گذشته، جغرافیای خاص این مرز و بوم بوده است که از یک سو ایران را مرکز توجه پیرامونی خود قرار داده و از سوی دیگر عملاً از نظر جغرافیایی به هیچ یک از محیط‌های پیرامونی خود تعلق کامل ندارد (عزتی و کاویانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). ایران نیز به مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی، از میراث شوم استعمار بی‌نصیب نمانده است. با نگاهی گذرا به نقشه جغرافیایی ایران و کشورهای پیرامونی‌اش، عمق مسئله بیشتر برای ما آشکار خواهد شد. گروه‌های قومی ایران، اعم از ترک‌های آذری، کردها، بلوچ‌ها، اعراب و ترکمن‌ها با دنباله‌های فرامرزی خودشان در کشورهای آذربایجان، ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان و ترکمنستان، حاصل یک چنین تجربه تاریخی برای این گروه‌های قومی بوده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۶). بنابراین امنیت مرزهای بین‌المللی ایران و مرزنشینان به شدت متأثر از قلمروهای پیرامونی می‌باشد. حفاظت و حراست از خاک سرزمینی امروزه در سراسر کره خاکی و برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید و ضمانت تحقق این امر، مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می‌باشد. لذا مرزها جزء جدایی‌ناپذیر و حساس هر کشور به‌شمار می‌روند که امنیت در مناطق مرزی پیش‌زمینه امنیت ملی تلقی می‌شود (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷). در این مقاله تأثیرات شاخص‌هایی مانند شرایط جغرافیای طبیعی و انسانی مناطق مرزی استان آذربایجان غربی و تحولات مناطق پیرامونی و فرامرزی در ایجاد تنش‌ها و ناآرامی‌های مرزی این استان از ابعاد نظامی - امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری پژوهش

علم جغرافیا از بدو آفرینش انسان بر روی این کره خاکی به صور مختلف در فعالیت‌های مختلف آن از جمله در تأمین امنیت، تأثیر به‌سزایی داشته است. مرزهای بین‌المللی یا سیاسی^۱ را به علت تداخل و انطباق حاکمیت و سرزمین در آن جغرافیایی‌ترین مرزها تلقی می‌کنند که

همواره این گونه مرزها محل های تنش و درگیری هم هستند.

واژه امنیت^۱ به عنوان یک مفهوم عام تمامی شوؤنات زندگی انسان را در بر می گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می خورد. در واقع امنیت تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می باشد و همه موجودات در تقلائی بقا و حفظ وجود و حیات سالم خود می باشند، و امنیت عامل این نیاز اساسی و حیاتی است. لذا امنیت مهم ترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵). بنابراین امنیت و ضرورت ایجاد آن از اصول بنیادی است که در کلیه جوامع و مکاتب بر آن تأکید شده است. این مطلب که ناامنی انسان را از عمارت دنیا و سعادت اُخروی باز می دارد، واقعیتی بوده که از زمان هبوط آدمی بر روی کره خاکی دانسته شده است.

امنیت ملی^۲ اساساً تعبیری مدرن است که با تکوین دولت های ملی معنا و مفهوم یافته است. مطالعات امنیت ملی نیز بحثی جدیدتر و مربوط به قرن بیستم است. در حالی که امنیت مقوله ای کهن و دیرینه است که با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد و آدمی آن گاه که بر هیبت و هویت اجتماعی در نیامده بود نیز به امنیت به چشم آشنای همیشه همراه می نگریست (خلیلی، ۱۳۸۴: ۹۷). لذا امنیت ملی با تأکید بر حفظ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی بر علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه عملیات غیرقانونی که منظور آن تضعیف و یا انهدام حکومت و ملت باشد، دلالت می کند که همواره در کنار امنیت داخلی^۳ که شامل اقداماتی به منظور جلوگیری از عملیات دشمن (غیر از حمله نظامی) علیه منابع، صنایع و تأسیسات خودی به عمل می آید، مورد بررسی قرار می گیرد (رستمی، ۱۳۷۸: ۱۱۷). لذا هرگونه اختلال در روند امنیت ملی و داخلی واحدهای سیاسی موجب ناامنی^۴ خواهد شد.

جغرافیای نظامی - امنیتی، با ماهیت میان رشته ای، به بررسی و تحلیل زمینه ها و عوامل بالقوه و بالفعل بی ثباتی های نظامی، سیاسی و اجتماعی در جامعه در سطوح منطقه ای، ملی و جهانی

1- Security

2 - National Security

3 - Internal Security

4 -Insecurity

که به نوعی موجب تهدید امنیت ملی و داخلی کشور می‌شود، پرداخته و ارائه راهکار منطقی برای فائق شدن بر این ناامنی‌ها را در برهه زمانی میان مدت و بلندمدت به تصمیم‌گیران سازمان‌ها و ارگان‌های امنیتی کشور گوش‌زد می‌کند.

در این بین، خطوط مرزهای سیاسی به علت جداسازی واحدهای مستقل و گاهاً نیمه‌مستقل سیاسی در طول تاریخ به خاطر اعطای هویت ملی به دولت‌های ملی و محلی از اهمیت خاص سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار بوده‌اند (Gadal and Jeansoulin, 2003, 14). مرز و سرزمین‌گرایی اغلب باعث ایجاد درگیری، تنش شده و تحلیل تدریجی امنیت در روابط بین‌الملل را موجب می‌شود (Mojtahed-zade, 2006: 9). مرزهایی که وابستگی کمتری به واقعیات طبیعی، فرهنگی یا اقتصادی دارند، دیر یا زود تثبیت می‌گردند (ایالات متحده و کانادا آخرین مشاجره مرزی خود را در سال ۱۹۰۳ حل کردند)، لیکن بسیاری از مرزها از نظر ژئوپلیتیک به نقاط چالش‌برانگیز مبدل می‌شوند. تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که این‌گونه مرزها باید به دقت تحت نظارت و کنترل باشند تا از بروز مشکلات ناگهانی و ناامنی‌ها غیرمترقبه جلوگیری شود (کالینز، ۱۳۸۵: ۱۹۰). علت بی‌ثباتی در مرزهای فرهنگی به علت مرزگذاری‌های جدیدی است که حاصل سیاست‌های امپریالیستی قرون معاصر است. حاصل این مرزهای ۱۰۰ و ۱۵۰ ساله تولید هویت کاذبی است که اختلافات منطقه‌ای را گسترش داده و در نتیجه موجب تنش‌ها و درگیری‌های دائمی مرزی می‌شود.

مناطق مرزی شمال غرب کشور از نظر مقیاس اثرگذاری امنیتی با اهمیت‌ترین منطقه امنیتی کشور به‌شمار می‌رود. این مناطق در طول تاریخ کشور همیشه یک مبدأ عملیاتی و محل تجمع قوا بوده به‌همین علت تأثیر غیرقابل انکاری بر امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور داشته و نسبت به مناطق مشابه خود از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است (حسین‌پور پویان، ۱۳۸۶: ۸۸). در حال حاضر محدوده مرزی آذربایجان غربی به علت موقعیت خاص کوهستانی، همجواری با منطقه کردنشین ترکیه (مناطق آناتولی شرقی و جنوب شرقی) و منطقه خودمختار کردستان عراق به محل مناقشات و چالش‌های دائمی مرزی تبدیل شده است. مبارزه حزب

قدرتمند و ملی‌گرای کارگران کرد کردستان (PKK)^۱ در ترکیه، فعالیت شاخهٔ پژاک^۲ در داخل ایران و موارد متعدد بی‌ثباتی از قبیل قاچاق کالا و اسلحه از مهمترین چالش‌های سیاسی و نظامی هستند که بسترهای ناامنی مناطق مرزی را مهیا می‌نمایند. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق این است که عوامل اصلی ایجاد ناآرامی‌ها و تنش‌ها در مناطق مرزی آذربایجان غربی کدامند؟ و چه راهکارهای برای فائق آمدن و کنترل اغتشاشات در این محدودهٔ مرزی از بعد نظامی - امنیتی بهینه و مناسب تلقی می‌شوند؟

منطقه مورد مطالعه

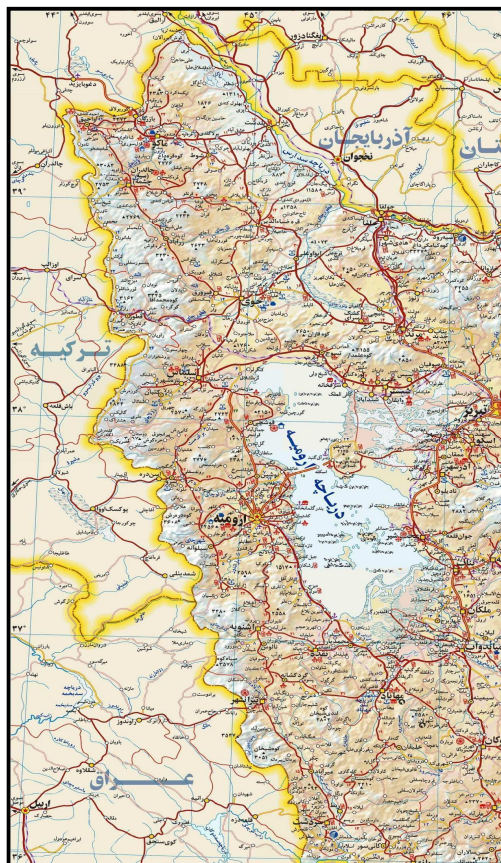
استان آذربایجان غربی با وسعتی حدود ۴۳۶۶۰ کیلومتر مربع در شمال غرب ایران با سه کشور عراق و ترکیه و آذربایجان (جمهوری خودمختار نخجوان) دارای مرز مشترک سیاسی می‌باشد. طول مرز این استان با جمهوری خودمختار نخجوان به طول ۱۲۵ کیلومتر از دره رود قطورچای تا محل التقای قره‌سوی سفلی و ارس در محل مرز مشترک ترکیه، ایران و نخجوان است. مرز این استان با کشورهای ترکیه و عراق که هدف اصلی تحقیق حاضر نیز بررسی عوامل شکل‌گیری ناامنی در محدودهٔ مرز می‌باشد، ۷۹۲ کیلومتر است. تمامی محدودهٔ مرزی ایران و ترکیه در حریم این استان به طول ۵۶۴ کیلومتر از قره‌سوی سفلی تا دالامپرداغ در محل مرز مشترک سه کشور ایران، ترکیه و عراق کشیده شده است. و چهار استان ایغدیر، آغری، وان و حکاری ترکیه در همسایگی آذربایجان غربی می‌باشند. مرز استان با کشور عراق به طول ۲۲۸ کیلومتر از دالامپرداغ تا دره رودخانه زاب کوچک در جنوب سردشت امتداد یافته که در این قسمت از مرز استان‌های اربیل و سلیمانیه عراق واقع شده است. این محدودهٔ مرزی از بازرگان تا درهٔ رودخانه زاب کوچک در جنوبی‌ترین نقطهٔ مرزی منطبق بر ارتفاعات بلند و صعب‌العبوری است که از امتداد ارتفاعات آرات به وجود آمده‌اند. عمق نوار مرزی این استان با کشور عراق ۱۵ کیلومتر، با ترکیه ۵۰ کیلومتر و با جمهوری خودمختار نخجوان ۴۵ کیلومتر می‌باشد (عقلمند، ۱۳۸۵: ۳).

1 -Partiya Karkaren Kurdistan (PKK) = Kurdish Workers Party.

۲- حزب حیات آزاد کردستان (پارتی ژانی نازادی کوردستان - پژاک) (P.J.A.K)

ماهیت کوهستانی خطوط مرزی باعث گردیده که ارتباط زمینی بین استان و کشورهای ترکیه و عراق محدود به محورهای نفوذی خاصی باشد. محور نفوذی بازرگان، ماکو، تبریز؛ محور نفوذی مرز ترکیه، سیه چشمه به خوی؛ محور نفوذی سرای در خاک ترکیه، قطور، خوی که در امتداد رودخانه آقچای (قطور) و راه آهن ایران به ترکیه قرار گرفته است، محور نفوذی شیولان در خاک ترکیه به طرف سرو و ارومیه؛ محور نفوذی مرز ترکیه، زیوه به ارومیه؛ محور نفوذی حاج عمران در خاک عراق، پیرانشهر، نرده به ارومیه، محور نفوذی قلعه دیزه عراق، سردشت به بانه، از مهمترین محورهای نفوذی در سراسر خط مرز به حساب می آیند (عزّتی، ۱۳۷۲: ۳۹) (نقشه شماره ۱).

از لحاظ ویژگی های انسانی، قسمت عمده ای از محدوده مرزی استان محل سکونت اقلیت قومی و مذهبی کرد بوده و دومین اقلیت ترک های آذری هستند که در مقایسه با کردها از جمعیت کمتری برخوردار هستند. مرزنشینان استان بیشتر به کار کشاورزی و دامداری مشغول هستند. در محدوده مرز این استان هفت گذرگاه و بازارچه مرزی مکان گزینی شده که از این حیث یکی از مهمترین و فعالترین استان های مرزی کشور در زمینه مبادله کالاهای مصرفی است. این بازارچه ها در مناطق سرو، رازی، ساری سو در مرز با ترکیه، صنم بلاغی در مرز با نخجوان، قاسم رش، تمرچین و ناویخان در مرز با عراق قرار دارند.



نقشه شماره ۱: محدوده و موقعیت جغرافیایی مرزهای سیاسی استان آذربایجان غربی

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که در آن مبانی فلسفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌ها)، آماری و اینترنتی صورت گرفته است. در این تحقیق مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد ناآرامی در مرزهای آذربایجان غربی بررسی شده و همچنین با تحلیل ساختاری موانع عمده برقراری ثبات و امنیت پایدار در منطقه شناسایی شده و در نهایت راهکارهای لازم برای تأمین امنیت مرزها از دیدگاه نظامی-امنیتی ارائه گردیده است.

یافته‌های تحقیق

هدف از ایجاد مرزها، اعمال حاکمیت دولت‌ها بر مناطق تحت کنترل خود و مردم ساکن در این مناطق بوده است. در حال حاضر دورانی تازه از نقش‌آفرینی مرزهای سیاسی در روابط انسان‌ها پدیدار شده است و مرزها به‌عنوان ابزاری برای همگرایی منطقه‌ای و جهانی، می‌توانند به عامل ثبات و پایداری جوامع تبدیل شوند (اخباری و محمدپور، ۱۳۸۶: ۳۱). با این حال در خیلی از قلمروهای جهان سوم مرزها به‌عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد تنش‌های سیاسی و درگیری‌های نظامی تلقی می‌شوند. اقوام و نژادهایی که از ویژگی‌های منحصر به فردی همچون جمعیت نسبی قابل توجه، سرزمین و جغرافیای مناسب، فرهنگ و دین مشخص و قابلیت‌های اقتصادی مکفی بهره‌مند بوده‌اند، اغلب ضمن ایجاد مشکلات امنیتی متعدد، سودای جدایی و استقلال از حکومت مرکزی را در سر پرورانده‌اند. این آرزوها و خواسته‌ها در صورت تحقق شرایط مساعد، گاه به اقدامات عملی از نوع جنبش‌های جدایی طلبانه نیز منجر شده‌اند (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). از این‌رو، مسائل مربوط به مرزهای کشورهای همیشه منشاء اختلاف‌ها و جنگ‌ها بوده است و این مسائل همیشه برای دولت‌ها، از لحاظ امنیتی، اهمیت ویژه داشته و دارد. بنابراین، ایجاد امنیت در مرزهای سیاسی، همواره ضروری به‌نظر می‌رسد (زین‌الدین، ۱۳۸۷: ۱۳۳). با این آگاهی که بیشتر مناقشات مناطق مرزی به ملاحظات جغرافیایی (انسانی و طبیعی) با منشاء خارجی و داخلی در سطوح منطقه‌ای و ملی ارتباط تنگاتنگ دارد، به بررسی این عوامل در بی‌ثباتی و ناامنی مرزهای سیاسی استان آذربایجان غربی پرداخته می‌شود.

۱- عوامل و محرک‌های خارجی

با نگاهی کلی به نقشه مناطق کردنشین خاورمیانه مشخص می‌شود که قلمرو مناطق کردنشین کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه نسبت به هم کاملاً به‌صورت یکپارچه و بدون هرگونه گسست جغرافیایی قرار گرفته‌اند. محدوده کردنشین خاورمیانه فضایی تقریبی است بین کوه آراارات به سمت جنوب تا شهرهای ارومیه، سنندج و کرمانشاه در ایران و سپس به سمت غرب تا مندلی و از آنجا به موصل و جزیره در عراق و سپس به سمت غرب تا قامشلی در سوریه و شرق اسکندرون در ترکیه و سپس به سمت شرق به ارزروم و آراارات امتداد می‌یابد.

مساحت این محدوده در حدود ۴۰۹۶۵۰ کیلومتر مربع است که ۱۹۴۴۰۰ کیلومتر آن در ترکیه، ۱۲۴۹۵۰ کیلومتر آن در ایران، ۷۲۰۰۰ کیلومتر آن در عراق و ۱۸۳۰۰ کیلومتر آن در سوریه واقع شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱). جمعیت کلی این منطقه کردنشین حدود ۲۵ میلیون نفر می‌باشد که حدود ۴۵۸۵۰۰۰ نفر آن در ایران (حدود ۷ درصد جمعیت ایران)، ۴۲۶۷۰۰۰ نفر آن در عراق (حدود ۱۷ درصد جمعیت عراق)، ۱۴۰۰۰۰۰۰ نفر آن در ترکیه (۱۹ درصد جمعیت ترکیه) که شامل سرزمینی مشترک در بین سه کشور است زندگی می‌کنند (Encarta, 2009). مرزهای سیاسی این محدوده وسیع جغرافیایی به علت عدم انطباق با مرزهای ژئوپلیتیکی و ایجاد تفرقه و جدایی بین قومیت کرد، جزء مرزهای سیاسی اختلاف‌انگیز^۱ تقسیم‌بندی می‌شوند (Neocleous, 2006: 363). از این رو، کوچک‌ترین اتفاقی در هر یک از قلمروها موجب بازتاب آن در قلمروهای همجوار شده و بستر را برای ناآرامی‌های منطقه‌ای آماده می‌کند. بنابراین امنیت منطقه‌ای مرزهای سیاسی ایران در مناطق کردنشین آذربایجان غربی با قلمروهای کردنشین کشورهای ترکیه و عراق عجین شده است، به طوری که تحولات ایجاد شده در مناطق کردنشین این کشورها به طور مستقیم یا غیرمستقیم تبعات خود را در مناطق کردنشین این استان بروز می‌دهد.



نقشه شماره ۲: محدوده مناطق کردنشین خاورمیانه

منبع: www.wikimedia.org

لذا مهمترین عوامل و محرک‌های خارجی مؤثر در گسترش ناامنی‌های منطقه کردنشین این محدوده مرزی به شرح زیر است:

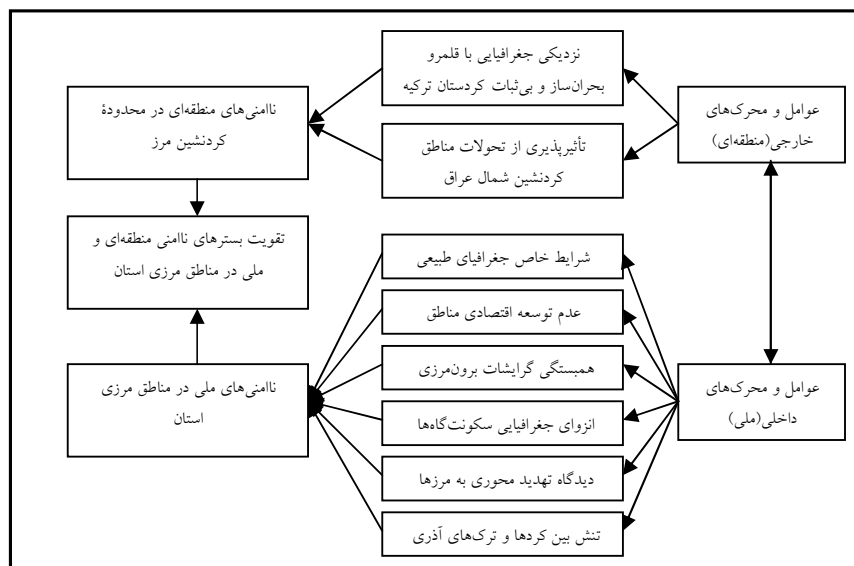
- ۱- نزدیکی جغرافیایی با قلمرو بحران‌ساز و بی‌ثبات کردستان ترکیه؛
- ۲- تأثیرپذیری از تحولات مناطق کردنشین شمال عراق.

۲- عوامل و محرک‌های داخلی

یکی از مؤثرترین عوامل انسجام ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام در سرنوشت و امور ملی کشور است. تحقق این امر منوط به برقراری دموکراسی و آزادی‌های مشروع در چارچوب قوانین کشور است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۷). در جوامع چندقومی مانند ایران که موزاییکی از اقلیت‌های قومی می‌باشد، عوامل داخلی متعددی در ایجاد ناامنی در مناطق سکونت قومیت‌ها تأثیرگذار هستند. توزیع ناعادلانه و بدون مساوات منابع قدرت در چنین جوامعی و تأکید بر الگوی مرکز- پیرامون، به‌همراه تجربه تاریخی تعاملات و روابط اقوام با الگوی سلطه‌گر و

سلطه‌پذیر از مهمترین عوامل گسترش ناامنی و هویت‌خواهی اقلیت‌های قومی در مناطق مرزی محسوب می‌شود. در این میان، مناطق مرزی کردنشین استان آذربایجان غربی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، به طوری که سیاست‌گذاری‌های کلان داخلی که بخشی از آنها به شرح زیر تحلیل می‌شود، سهم عمده‌ای در تحولات قومی- مذهبی این منطقه داشته و مهمترین عوامل و محرک‌های داخلی مؤثر در ایجاد ناامنی‌ها در سطح ملی نیز محسوب می‌شوند:

- شرایط خاص جغرافیای طبیعی مرز؛
- عدم توسعه اقتصادی مناطق مرزی؛
- همبستگی اقلیت کرد به گرایشات برون‌مرزی؛
- انزوای جغرافیایی سکونت‌گاه‌های مناطق مرزی؛
- وجود دیدگاه‌های تهدید محوری به مرزهای استان؛
- وجود تنش بین کردها و ترک‌های آذری.



مدل شماره ۱: الگوی عوامل ایجاد ناامنی‌ها در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی. منبع: نگارندگان

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نزدیکی جغرافیایی با قلمرو بحران‌ساز و بی‌ثبات کردستان ترکیه

مسئله قومیت کرد برای ترکیه بسیار حیاتی است؛ در واقع برای آنکارا هیچ یک از مسائل استراتژیکی بیرونی و درونی به اندازه واگرایی سنی کردها مهم تلقی نمی‌شود. سالیانه حدود ۳۰ درصد بودجه نظامی کلان ترکیه صرف مهار کردها می‌شود و ترک‌ها بارها با همسایگان شرقی و جنوبی خود بر سر این مسئله به مشاجره پرداخته‌اند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۵۶).

کردها در استقلال ترکیه (۱۹۲۳-۱۹۱۹)، نقش عمده‌ای در پیروزی کمال آتاتورک ایفا کردند، ولی بلافاصله پس از پیروزی ناسیونالیسم افراطی ترکیه، درخواست‌های متفاوت کردها برای خودمختاری، مورد مخالفت شدید «کمال مصطفی آتاتورک» قرار گرفت و سنگ بنای بحرانی شد که امروزه ترکیه را در خود فرو برده و رهایی از آن، صرفاً با به زیر سؤال بردن آرمان‌های ترکیه جدید، امکان‌پذیر است (اخباری، ۱۳۸۳: ۲۱۲). حکومت‌های ترک طی سال‌های متمادی با اطلاق اصطلاح «ترک‌های کوهستان» به کردها، وجود مسئله‌ای به نام کرد را انکار و زبان کردی را غیرقانونی اعلام کردند. با تأسیس پادگان‌های متعدد در مناطق کردنشین و تبعید و حبس رهبران جنبش‌های استقلال‌طلبانه کردها، با دعای تجزیه‌طلبانه آنها مقابله می‌کند (تهامی، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

در سال ۱۹۷۴م، در ترکیه حزب قدرتمند و منظم کارگران کردستان (PKK) با ایدئولوژی چپ گرایانه و استراتژی مسلحانه و با هدف استقلال کردستان با خاستگاه دانشجویی، به رهبری «عبدالله اوجالان» معروف به «آپو» در روستای «فیس» شهرستان «لیجه» در استان «دیاربکر» تشکیل و جنبش سیاسی کردها در ترکیه را جان تازه‌ای بخشید. ایدئولوژی این حزب مخلوطی از مارکسیسم و لنینیسم و ملی‌گرایی افراطی و با هدف نهایی تأسیس کردستان بزرگ و مستقل شامل نواحی کردنشین ترکیه، عراق، ایران و سوریه بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۸).

فعالیت‌های نظامی حزب کارگران کردستان ترکیه در منطقه از مهمترین عوامل در تیرگی روابط بین ایران و ترکیه در بعد از جنگ ایران و عراق بوده است. نقطه اوج این تیرگی روابط بین ایران و ترکیه را باید در حمله هوایی ترکیه به ایران در ماه ژوئیه ۱۹۹۹ به پیرانشهر ردیابی کرد. حمله هوایی ترکیه به محلی واقع در نزدیکی پیرانشهر صورت گرفت، که شهری است در

چهل مایلی جنوب مثلثی که در آن مرزهای ایران، ترکیه و عراق با هم تلاقی می‌کنند. برخلاف ادعای ترکیه، ایران مدعی بود که اردوگاهی متعلق به پ.ک.ک در منطقه وجود ندارد و ترکیه عمداً به نیروهای مرزی ایران حمله کرده است (السن، ۱۳۸۰: ۱۶۶).

بنابراین چالش‌های قومی کردها و ایده‌های بلندپروازانه آنها در خصوص تشکیل دولت مستقل، همواره از دغدغه‌های اصلی حکومت‌های ایران و ترکیه بوده است (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). به دنبال بهبود روابط ایران و ترکیه و آشکار شدن تبعات منفی حمایت هر دو کشور از گروه‌های مخالف همدیگر در درون مرزهای سیاسی کشور مقابل، نیروهای پ.ک.ک فعالیت‌های نظامی و تبلیغاتی خود را بر علیه ایران شروع کردند و شاخه ایرانی پ.ک.ک تحت عنوان پژاک را در ایران به راه انداختند، به طوری که در این اواخر در راستای فعالیت‌های سیاسی - تبلیغی برای زنده نگه داشتن ناسیونالیسم قومی کرد در مقیاس تمامی کردهای جهان، بویژه در ایران، شاخه ایرانی پ.ک.ک تحت عنوان حزب آزاد کردستان معروف به پژاک و متأثر از اندیشه‌های اوجالان به دبیر کلی عبدالرحمن حاج احمدی از اهالی یکی از روستاهای تابعه شهرستان نقره به نام قره‌قصاب تشکیل شده و به تبلیغ و یارگیری مشغول هستند. از سال ۲۰۰۳ ایالات متحده آمریکا سعی می‌کند به طُرق مختلف از پ.ک.ک و پژاک جهت نیل به اهداف خود در ایران و سوریه استفاده نماید. به طوری که از سال ۲۰۰۶ آمریکا و اسرائیل به طور مستقیم با حمایت از فعالیت‌های این سازمان‌ها در شمال عراق، سلاح‌های مدرن انفرادی (سبک) و سنگین نظامی را به صورت رایگان در اختیار این سازمان قرار می‌دهند.

تأثیرپذیری از تحولات مناطق کردنشین شمال عراق

مناطق شمال و شمال شرقی عراق شامل استان‌های کردنشین دهوک، اربیل و سلیمانیه است. استان آذربایجان غربی با دو استان اربیل و سلیمانیه دارای مرز مشترک سیاسی است. کردهای این کشور از زمان استقلال عراق از عثمانی در سال ۱۹۲۰م هم‌پای کردهای ترکیه و ایران همواره به دنبال یافتن هویتی مستقل از حکومت‌های مرکزی عراق بوده‌اند. در همین راستا بعد از پایان جنگ جهانی دوم «ملا مصطفی بارزانی» تلاش خود را برای ایجاد جنبش خودگردانی عراق ادامه دارد. جنگ ایران و عراق نیز به بازخیزی جنبش‌های کردی در شمال عراق در قالب احزاب دموکرات

و اتحادیه میهنی کردستان کمک کرد.

تحول دیگری که به تقویت جنبش‌های کردی عراق منجر شد، اشغال کویت در سال ۱۹۹۰م توسط عراق بود که به دنبال آن نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، عراق را در سال ۱۹۹۱م از کویت بیرون راندند و کردها جان تازه‌ای گرفته و با خیزش خود در سال ۱۹۹۱ شهر کرکوک را آزاد کردند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۸). پس از شکست عراق در کویت در مارس ۱۹۹۱ صدام حسین حمله مجدد خود را به منطقه کردستان آغاز نموده و با کشتن حدود ۱۸۲۰۰۰ نفر از اکراد، باعث متواری شدن گسترده آنها به ایران و ترکیه شد. این اقدام با واکنش جامعه بین‌المللی روبرو شد و به قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد منتج داد. این قطعنامه زمینه را برای ایجاد منطقه آزاد و پرواز ممنوع در شمال مدار ۳۶ درجه و جنوب مدار ۳۳ درجه را فراهم کرد (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۹۸). با اعطای خودگردانی به کردهای شمال عراق پس از سال ۱۹۹۲م و به دنبال برگزاری انتخابات آزاد کردستان عراق در سال ۲۰۰۳م و تشکیل حکومت منطقه کردستان^۱ باعث تقویت و توسعه اندیشه‌های فدرالیسم در منطقه شده و زمینه بروز تهدیدات امنیتی-سیاسی در مناطق و شهرهای مرزی کردنشین ایران را مهیا ساخته است. بنابراین تشکیل حکومت کردی در شمال عراق با حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و دولت عراق، این منطقه را به آرمانشهر ایدئولوژیک و اکولوژیک اقلیت کرد ساکن در قلمرو مرزهای سیاسی استان تبدیل نموده است. لذا گروهی از کردهای ساکن این منطقه در راستای تحقق آرمانشهر اکولوژیک مشابه در خاک کشور و نظام بخشی به آشفتگی‌های زندگی خود به تبیین الگوهای رفتاری تحت نظام خاصی، مانند گرایش به عضویت در گروه‌های مسلح ملی‌گرا، اتخاذ رفتارهای واگرایانه نسبت به حکومت مرکزی کشور و مبارزه مسلحانه با نیروهای نظامی و امنیتی کشور را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند.

شرایط خاص جغرافیای طبیعی مرز

چشم‌انداز غالب در محدوده ۵۶۴ کیلومتری مرز استان آذربایجان غربی با کشورهای عراق و ترکیه ارتفاعات سر به فلک کشیده و صعب‌العبور آرات و بخشی از ارتفاعات شمال شرقی عراق می‌باشد. ماهیت کوهستانی مرز به همراه پیچیدگی خاص و نامنظم بودن ارتفاعات مرزی، شرایط لازم را برای ایجاد مخفی‌گاه‌ها، پناهگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی برای شورشیان و معارضین کرد را مهیا نموده است. زیرا که شرایط کوهستانی منطقه امکان طرح‌ریزی و اجرای تاکتیک‌های جنگ چریکی و نامنظم را فراهم آورده و بسترهای لازم برای طراحی استراتژی‌های مقابله با قدرت نامتقارن نظامی حکومت‌های مرکزی کشورهای منطقه را پوشش داده است. وجود ارتفاعات و دره‌های عمیق در بین آنها، امکان تردد غیرمجاز مرزی برای بومیان محلی و افراد آشنا به این مناطق را فراهم می‌نماید. در مقابل این عامل باعث کاهش میدان دید و تیر شده و به علت نبود محورها و دهلیزهای عمده طبیعی، قدرت مانور و حرکت یگان‌ها کم شده و اجرای تاکتیک‌های تأمینی و برقراری سیستم‌های کنترلی و امنیتی نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در منطقه توأم با مشکلات و پیچیدگی‌های زیادی می‌باشد. به طوری یکی از دلایل اصلی فائق آمدن گروهک‌های ناسیونالیست کرد بر نیروهای انتظامی و نظامی آشنایی کامل آنها به جغرافیای منطقه و تسلط بر نقاط استراتژیک مانند گردنه‌ها، گلوگاه‌ها و ارتفاعات مشرف و اتخاذ تاکتیک‌های نظامی متناسب با شرایط طبیعی مرز، به کارگیری اصل غافلگیری و عملیات کمین می‌باشد. بدین سبب امروزه، کشف و پیدا کردن مکان و مقرهای گروهک‌ها بسیار مشکل است.

عامل مهم دیگر شکل هندسی خاص مرز است. با نگاهی به نقشه طبیعی - سیاسی مناطق مرزی استان، نامناسب بودن گسترش خطوط مرزی از بعد نظامی مشهود می‌باشد. تحدب و تقعر زیاد مرز با ایجاد رخنه‌های طبیعی متعدد بین مناطق مرزی استان با مناطق مرزی ترکیه و عراق شده است. لذا با کاهش عمق دفاعی و استراتژیک اکثر پاسگاه‌ها و پایگاه‌های انتظامی و نظامی آسیب‌پذیر شده و در تیررس سلاح‌های سبک گروهک‌های شورشی قرار می‌گیرند.

عدم توسعه اقتصادی مناطق مرزی

در بیشتر مواقع، شکل‌گیری یک اقتصاد پویا و ایجاد رفاه در یک جامعه، پوششی برای بیشتر معضلات آن جامعه در ابعاد دیگر، ایجاد می‌کند. پایین بودن شاخص‌های توسعه در بخش اقتصاد، مانند نرخ اشتغال و درآمد سرانه، ره‌آوردی جز ایجاد بحران و معضلات عدیده در دیگر بخش‌های آن جامعه، در پی ندارد. گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی، پیامد قابل پیش‌بینی برای جوامع کمتر توسعه‌یافته در بخش اقتصادی آن جامعه می‌باشد.

استان آذربایجان غربی با وجود غنای کافی از حیث زیرساخت‌های طبیعی، دارای پایه‌های اقتصادی نابسامان و حتی متزلزل می‌باشد. سرمایه‌گذاری‌های اندک دولت و بخش خصوصی به بهانه‌های واهی مختلف از جمله فقدان امنیت و مقرون به صرفه نبودن، فرصت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی این استان را در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله صنعت به یاس تبدیل کرده است. به‌طوری که سهم استان از صنعت کشور ۱/۷ درصد می‌باشد ولی تقاضا برای سرمایه‌گذاری بیشتر از ۳/۵ درصد است. بنابراین، وجود ناهنجاری‌های اقتصادی از قبیل قاچاق کالا، مشروبات الکلی، سیگار، مواد مخدر، مواد سوختی و... از پیامدهای محتمل و قابل انتظار چنین اقتصاد نابسامان می‌باشد. چرا که اگر قاچاق کالا برای یک مرکز نشین تهرانی تولید کننده به معنای زیان به اقتصاد ملی و یا باد کردن محصولات بر روی دست تولید کننده تعبیر شود، برای یک مرزنشین کرد به معنای زندگی، معیشت و حتی زنده ماندن، است. چون این تنها کار موجود در این مناطق است که مردم آنجا می‌توانند به آن اشتغال ورزند. گسترش چنین خط‌مشی اقتصادی زیانبار در استان آذربایجان غربی، پیامدهای خطرناکی را در درازمدت برای مردم این استان و حتی کشور در پی خواهد داشت. عده‌ای از این افراد تحت پوشش قاچاق کالا که در صورت برخورد قانونی با آنها تنها مجازات‌های نقدی در انتظار آنهاست، به قاچاق اسلحه و حتی جاسوسی به کشورهای دیگر مبادرت می‌ورزند. برخوردهای گاه و بیگاه نیروهای نظامی و انتظامی استان با این افراد در بیشتر مواقع به کشته شدن نیروهای دو طرف منجر گشته و جو ملتهبی را در بین مردم استان بویژه کردها به وجود می‌آورد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۵). همچنین عدم مشارکت و دخالت دادن نیروهای بومی استان در فعالیت‌های توسعه و اداره امور مرزها از

شاخص‌های تأثیرگذار اجتماعی بر ناامنی مناطق مرزها محسوب می‌شود. در کنار عوامل مذکور کمبود زمین‌های کشاورزی به علت کوهستانی و سنگلاخی بودن مناطق مرزی موجب رکود کشاورزی منطقه شده و با افزایش درصد بیکاری در بین جوانان کرد موجبات گسترش تمایل آنها به شغل‌های کاذب مانند قاچاق شده است. بنابراین فقر عمیق اقتصادی یکی از عوامل عمده ایجاد تنش‌ها و ناآرامی‌های مناطق مرزی استان تلقی می‌شود.

همبستگی اقلیت کرد با گرایش‌های برون‌مرزی

اقلیت کرد اگرچه در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و برخی خصلت‌های فرهنگی با بخش مرکزی (ایران) دارای مشترکات زیادی هستند؛ لکن از جهات مذهبی، قومی و زبانی با بخش مرکزی ایران تفاوت دارند و در عوض با نواحی کردنشین خارج از مرزها همگونی دارند. اجتماع این سه خصلت که عوامل جداکننده کردها از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدیدآورنده نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی کردنشین خاورمیانه شده، زمینه بحرانی مداوم را در منطقه فراهم آورده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۶۵). به غیر از این، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک کردستان به گونه‌ای است که اولاً در شبکه‌ای از سیستم‌های سیاسی، فضایی و تمدنی متنوع گرفتار آمده و تحولات آن محصول درون‌داد سیستم‌های منطقه‌ای و نیز فرامنطقه‌ای می‌باشد. ثانیاً کردستان خود به عنوان یک سیستم در تحولات منطقه‌ای و جهانی نقش‌آفرینی نموده و بر الگوی ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی تأثیر می‌گذارد.

لذا به خاطر پیوستگی سیستمی و جغرافیایی مناطق کردنشین ایران با کشورهای ترکیه و عراق، و وجود مشترکات فرهنگی (قومیت، زبان و مذهبی) ساکنین مناطق مرزی با آنها، هرگونه اتفاقی در قلمرو کردنشین این کشورها با عکس‌العمل کردهای ایران توأم می‌شود. به طوری که با تشکیل حکومت خودگردان کردستان و پس از به قدرت رسیدن جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور عراق حرکت‌ها، جنبش‌ها و شورش‌های مختلف در شهرهای کردنشین استان مانند مهاباد، پیرانشهر، نرده و... شکل گرفته و با مشاهده پیشرفت‌های اقتصادی و آزادی‌های عمدتاً کاذب در آن سوی مرز ایران، اهالی مناطق مرزی را دچار تناقض در رفتارهای اجتماعی و فرهنگی می‌سازد. ملت‌هت شدن فضای سیاسی شهرهای ارومیه و مهاباد در جریان دستگیری

عبدالله اوجالان، حمله به کنسولگری ترکیه در ارومیه و خسارات ناشی از این اعتراضات به اماکن دولتی و غیردولتی مصداق این مسائل می‌باشد.

انزوای جغرافیایی سکونت‌گاه‌های مناطق مرزی استان

حاشیه‌ای بودن به مفهوم دوری و جدایی از ساختار اقتصادی یک کشور یا یک منطقه و یا حتی از نظام اقتصادی جهان قابل تفسیر است. پدیده حاشیه‌ای بودن، بیشتر دارای ماهیت اقتصادی است. در موارد بسیاری از مرزهای ایران پدیده حاشیه‌ای بودن بر پدیده دوری از مرکز نیز منطبق است (عندلیب، ۱۳۸۳: ۷). حاشیه‌ای بودن مناطق مرزی است که یک نوع کارکرد دفاعی به مرزها می‌دهد. اعمال کنترل و هماهنگی مبادلات مرزی با کشورهای مجاور و محافظت از سرزمین در برابر تهدیدات نظامی و امنیتی با منشاء برون‌مرزی در این مناطق حاشیه‌ای صورت می‌گیرد. اما شرایط در مناطق مرزی کردنشین به خاطر تحمیلی بودن مرزها کاملاً متفاوت می‌باشد. حاشیه‌ای بودن مناطق کردنشین استان و نبود شبکه‌های ارتباطی مناسب در این مناطق موجب انزوای جغرافیایی کردها شده و زمینه افتراق فرهنگی کردها را با حکومت مرکزی را فراهم آورده است. در کنار آن کوهستانی بودن سکونتگاه‌های جمعیتی کردها و ترک‌ها در مناطق مرزی زمینه مساعد را برای ایجاد تعصبات قومی و مذهبی به وجود آورده است.

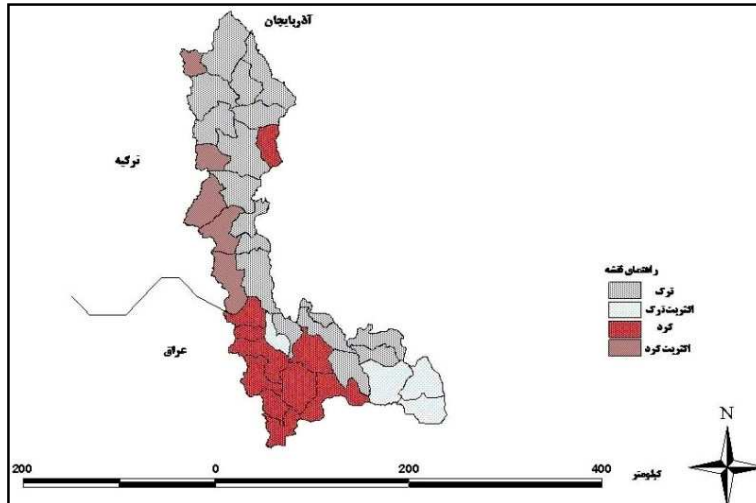
دیدگاه‌های تهدید محوری به مرزهای استان

در طول تاریخ معاصر، واژه کرد و کردستان در بین مردم ایران زمین همواره تداعی کننده تهدید، ناامنی، درگیری و بی‌ثباتی بوده است. حتی در جامعه امروز ایران، دیدگاه دولت مرکزی نسبت به بخش حاشیه به دلیل برخی رفتارهای واگرایانه این بخش، توأم با بدبینی و سوء تفاهم است؛ بر همین اساس تعامل ملی بین بخش مرکزی و پیرامونی، بویژه مناطق اقلیت‌نشین نامتجانس‌تر، به‌خوبی برقرار نمی‌شود (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۹). لیکن وجود دیدگاه‌های تهدیدمحور نسبت به مناطق مرزی یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز برای گسترش تنش‌های سیاسی و نظامی محسوب می‌شود. تراکم زیاد عمده قوا از نیروهای مسلح در این مناطق و اتخاذ استراتژی سخت‌افزاری در کنترل مرزها با ابزار، تسلیحات و تجهیزات مختلف نظامی باعث افزایش

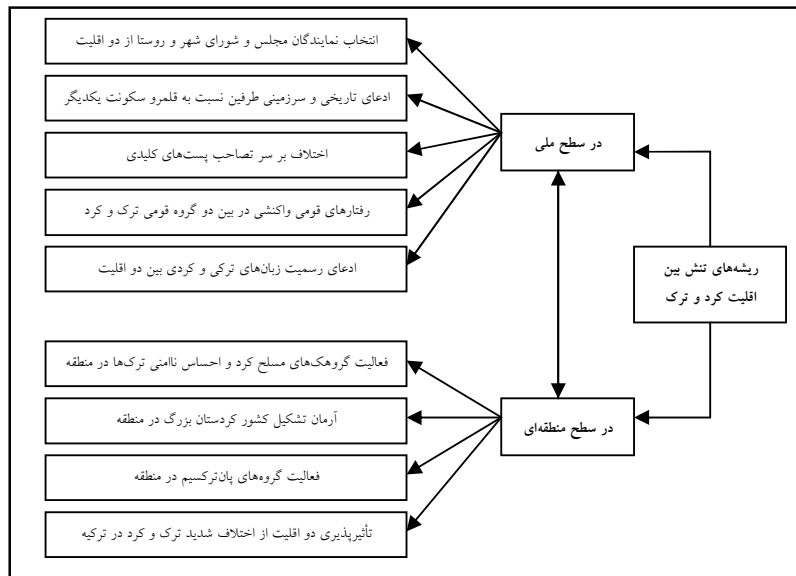
حساسیت‌ها و برانگیختن احساسات ضد دولتی گروهک‌های جدایی‌طلب شده و مانع عمده در شکل‌گیری صلحی جامع و فراگیر در منطقه شده است.

تنش بین کردها و ترک‌های آذری

اقلیت‌ها در یک واحد کلان سیاسی نظیر کشور، ملت و جامعه نسبت به یکدیگر مناسبات خاص دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۹۳). در نواحی مرزی این استان دو اقلیت اکولوژیک ترک و کرد در تماس با هم هستند که الگوی غالب در مناسبات و روابط این دو گروه قومی، خصمانه است. در طول تاریخ معاصر ایران یکی از پارامترهای اصلی ناحیه‌بندی کشور، ملاحظات دفاعی - امنیتی بوده است چنان‌که در مناطقی که خطر واگرایی گروه‌های قومی - مذهبی وجود دارد، تلاش شده تا با تقسیم آنها به چند ناحیه کارکردی و همچنین ادغام با سایر گروه‌های قومی - مذهبی ضمن جلوگیری از واگرایی از طریق کنترل آنها، قدرت آنها را تقسیم کنند، امری که به وضوح در مرزهای شمال غربی کشور قابل رویت است (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۸). تقسیم نواحی فرهنگی آذربایجان و کردستان و قرار دادن آنها در یک ناحیه کارکردی در قالب استان آذربایجان غربی در راستای کنترل جنبش‌های پان‌ترکسیم آذری‌ها و ادعاهای استقلال‌طلبانه برخی گروه‌های کرد بوده است. پیامدهای امنیتی قرار گرفتن ترک‌های آذری و کردها در یک ناحیه کارکردی، افزایش رقابت درون فضایی، تنش‌های قومی - مذهبی، درگیری‌های نظامی و توسعه نامتوازن منطقه‌ای شده است. با مهاجرت روزافزون کردها به مناطق مرزی و حتی مناطق مرکزی استان از جمله شهر ارومیه رقابت درون فضایی ترک‌های آذری و کردها برای تسلط بر دیگری وارد مرحله جدید و حساسی شده است. به‌طوری‌که ترک‌های آذری بنا به شواهد تاریخی متعدد این استان را متعلق به‌خود دانسته و نسبت به اسکان مهاجرین کرد در شهرهای کانونی استان معترض هستند. در مقابل کردهای تندرو این استان را «کردستان شمالی» نامیده و مدعی هستند بایستی روزی ترک‌ها این منطقه را ترک کنند. لذا اختلاف بین اقلیت قومی کرد و ترک در این استان به عوامل مختلفی تاریخی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که در دو سطح ملی و منطقه‌ای مطابق مدل زیر معادلات امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



نقشه شماره ۳: ترکیب قومی آذربایجان غربی. منبع: (سلطانی، ۱۳۸۴)



مدل شماره ۲: الگوی عوامل ایجاد تنش بین اقلیت کرد و ترک در منطقه. منبع: نگارندگان

نتیجه بحث و ارائه راهکار

امروزه مسائل امنیتی اساس توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشوری را رقم می‌زند. در این بین مرزهای سیاسی هر کشور در راستای حفظ تمامیت ارضی آن نقش کلیدی را بازی می‌کند. امنیت داخلی هر کشور و استقرار بنیادهای سازندگی در داخل، به میزان زیادی به امنیت از جانب مرزها بستگی دارد. این پژوهش مشخص نمود که موقعیت جغرافیایی خاص اقوام در مرزهای استان معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقلیت قومی ترک آذری و اقلیت قومی - مذهبی کرد در یکی از حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی آن اسکان یافته‌اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد، شیب این حوزه مرزی به خارج از کشور است و از ابعاد نظامی - امنیتی موجب تهدید و آسیب‌شناسانه تلقی می‌شوند. به لحاظ ارتباط و پیوند این حوزه با خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت و تعهد حاکمیت ملی به شدت تقلیل می‌یابد و نهایتاً دولت جمهوری اسلامی ایران را به صورت بالقوه با پدیده جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ای که خواستار الحاق به نیمه جدا شده خویش در آن سوی مرز است، مواجه خواهد ساخت. همچنین محرز شد تحولات منطقه‌ای کردستان در کشورهای ایران، ترکیه و عراق کاملاً هم‌سو و هم‌گرا با یکدیگر در حال انجام گرفتن است. با توجه به کارشکنی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و اعمال سیاست‌های دوفاکتو در قبال تحولات کردستان با کشورهای ترکیه و عراق پیش‌بینی می‌شود این منطقه همچنان آستان ناآرامی‌های مناطق مرزی این سه کشور خواهد بود. و با وجود فعالیت گروه‌های معارضی مانند پ.ک.ک در جنوب شرق ترکیه و شمال عراق، پژاک در داخل خاک ایران و سایر گروهک‌های قومی معارض در منطقه کردستان درگیری‌های نظامی در مناطق مرزی استان همچنان ادامه خواهد داشت.

با گسترش تنش‌ها میان ترک‌های آذری و کردها به علت اتخاذ سیاست‌های غلط در ناحیه‌بندی فضای کارکردی استان، پیش‌بینی ادامه رقابت ناسالم این دو قومیت در قالب درگیری‌های قومی - مذهبی و حتی مسلحانه برای تسلط بر دیگری ادامه خواهد داشت. با روال کند فعلی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این محدوده مرزی و وجود محدودیت‌ها و

بی‌عدالتی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مناطق مرزی این استان با منشأهای داخلی و خارجی، باعث افزایش روند رو به تزاید ناامنی در قالب معضلاتی مانند قاچاق انواع کالا و تجارت اسلحه و مهمات خواهد شد. همچنین این عوامل به علت افزایش گرایش کردهای منطقه به هنجارهای آن سوی مرزها و واگرایی نسبت به حکومت مرکزی شده و موجب زمینه مساعد جهت گسترش بسترهای بحران‌های مختلف سیاسی و نظامی خواهد گردید.

بنابراین جهت حل مسائل و مشکلات متعدد امنیتی این مناطق، انجام مطالعات راهبردی روی شاخص‌های امنیت پایدار در سطوح مختلف تصمیم‌گیری در ابعاد سیاسی، نظامی و امنیتی در چارچوب مطالعات جامع آمایش نظامی - امنیتی مناطق مرزی ضروری می‌باشد. این کار می‌تواند در دو سطح مجزای منطقه‌ای و داخلی صورت پذیرد. در سطح منطقه‌ای تعاملات و همکاری‌های سیاسی و نظامی با دولت‌های ترکیه و عراق با انعقاد پیمان‌های دوجانبه یا سه‌جانبه برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسئله فعالیت گروه‌های معارض کرد در منطقه با احترام متقابل به خواسته‌های آنها در حد ممکن و پرهیز از درگیری‌های نظامی با آنها و شناسایی عوامل محرک و تجهیزکننده این گروه‌ها و برخورد قاطع با آن عوامل از مهمترین اقدامات امنیتی محسوب می‌شود. در سطح داخلی، توجه به مشکلات متعدد معیشتی مرزنشینان با گسترش و رونق بازارچه‌های مرزی و حذف تشریفات گمرکی آنها، گسترش شبکه‌های ارتباطی، کمک به رونق اقتصاد کشاورزی منطقه، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعتی یکجانشین کردن جمعیت کوچ‌رو، احترام به خواسته‌ها و آرمان‌های مرزنشینان و به‌کارگیری نخبگان ترک و کرد در سطوح مختلف پست‌های مدیریتی و اجرایی استان و کشور با رعایت اصل عدالت‌محوری، از پارامترهای مهم محسوب می‌شود. در جهت ارتقاء سطح طرح‌های امنیتی منطقه نسبت به شناسایی معابر نفوذی و گلوگاه‌های آسیب‌پذیر اقدام شده و با کار گذاشتن سیستم‌های کنترلی سخت‌افزاری به روز در پاسگاه‌های مرزبانی و مسدود نمودن مناطق قابل عبور مرزها با استفاده از سیستم‌های سخت‌افزاری و مکانیکی متعدد از قبیل سیم خاردار، خندق، دیوارکشی، مین‌گذاری و... به‌روی قاچاقچیان و سوداگران مرگ، با اتخاذ روش‌های بهینه و مطالعه شده و ملاک قرار دادن تمام جوانب کار، تا این کار کوچک‌ترین لطمه‌ای به زندگی عادی مرزنشینان وارد نشده و موجب تحریک احساسات آنها نشود. زیرا که تلاش برای تأمین امنیت مرزها و

مرزنشینان در راستای ایجاد امنیت ملی و داخلی در کشور یکی از مهمترین وظایف و اهداف دولت‌ها محسوب می‌شود. همچنین آمایش امنیتی - نظامی دقیق مناطق مرزی با شناسایی کلیه عوامل جغرافیای طبیعی و انسانی، شناسایی مناطق حساس و خطرآفرین، معابر نفوذی و وصولی، مطالعه دقیق آرمان مرزنشینان و آشنایی با روحیات، باورها و اعتقادات آنها و... در دو سوی خطوط مرزی از مهمترین عوامل مؤثر در تثبیت امنیت و ثبات محسوب می‌شوند.

سیاستمداران و برنامه‌ریزان نظامی کشور بایستی با انجام مطالعات راهبردی دقیق و مداوم به بررسی مستمر تحولات مختلف سیاسی و نظامی در آن سوی مرزهای بین‌المللی کشور بپردازند، و بدین ترتیب از بروز هرگونه تهدیدی با منشاء خارجی که بخواهد امنیت ملی کشور را به خطر انداخته و موجبات ناامنی‌های مرزی از هر نوع آن مانند درگیری قومی - نظامی، ترویج قاچاق و سایر معضلات سیاسی - اجتماعی شود؛ جلوگیری نمایند.

منابع

۱. اخباری، محمد(۱۳۸۳)؛ جغرافیای کشورهای همجوار(ترکیه)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۲. اخباری، محمد و محمدپور، علی(۱۳۸۶)؛ علی، بحران‌های مناطق پیرامونی و امنیت مناطق مرزی(نمونه موردی: مناطق مرزی ایران و افغانستان)، مجموعه مقالات سومین همایش ملی ژئوپلیتیک و مرز.
۳. اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا(۱۳۸۷)؛ تقسیمات کشوری و توسعه پایدار مطالعه موردی: ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال چهارم، شماره سوم، پاییز و زمستان.
۴. افتخاری، اصغر(۱۳۷۹)؛ ابعاد امنیت ملی، مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، تهران.
۵. افضل‌لی، رسول و حسینی، مجید(۱۳۸۷)؛ بررسی و تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تأثیر آن بر ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال چهارم، شماره اول، بهار.
۶. السن، رابرت(۱۳۸۰)؛ مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه؛ مترجم: ابراهیم یونسی، تهران: نشر پانید، سال.
۷. پورموسوی، سید موسی؛ و دیگران(۱۳۸۷)؛ سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال چهارم، پاییز و زمستان.
۸. تهامی، سیدمجتبی(۱۳۸۴)؛ امنیت ملی، دکتربین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، نشر ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا(۱۳۸۶)؛ تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، تحقیقات جغرافیایی شماره ۸۳، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا(۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
۱۱. حسین‌پور پویان، رضا(۱۳۸۵)؛ بررسی و تحلیل ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی مناطق استراتژیک ایران، مطالعه موردی: (منطقه شمال غرب)، فصلنامه آفاق امنیت شماره ۱، مؤسسه مطالعات کاربردی، تهران.
۱۲. خلیلی، رضا(۱۳۸۴)؛ تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، مجموعه مقالات همایش ملی مطالعات استراتژیک، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۱۳. رستمی، محمود(۱۳۷۸)؛ فرهنگ واژه‌های نظامی، نشر ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۴. روحی، نبی‌الله(۱۳۸۶)؛ بحران کردستان؛ زمینه‌ها و علل شکل‌گیری، فصلنامه امنیت پایدار، شماره ۱، تهران.
۱۵. زین‌الدین(۱۳۸۷)؛ یوسف، تحلیل ژئوپلیتیکی مرزهای سیاسی ایران، فصلنامه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، شماره اول.
۱۶. سلطانی، ناصر(۱۳۸۴)؛ تحلیل ژئوپلیتیکی بر پدیده قومیت‌گرایی در ایران(مطالعه موردی: آذربایجان غربی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۷. عزتی، عزت‌الله(۱۳۷۲)؛ جغرافیای نظامی ایران، دانشگاه افسری امام علی(ع)، تهران.
۱۸. عزتی، عزت‌الله و کاویانی، احمد(۱۳۸۷)؛ سیاست منطقه‌ای پاکستان در شبه قاره و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.

۱۹. عقلمند، احمد (۱۳۸۷)؛ مرزهای ایران و چگونگی شکل‌گیری آنها، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
۲۰. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۳)؛ چالش‌های آمایش مناطق مرزی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۹، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.
۲۱. کالینز، جان. ام (۱۳۸۵)؛ جغرافیای نظامی (جغرافیای فرهنگی)، ترجمه محدرضا آهنی و بهرام محسنی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
۲۲. کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)؛ ایران و همسایگه (منابع تنش و تهدید)، چهارم دانشگاهی واحد تربیت معلم، تهران.
۲۳. کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱)؛ مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران جلد نخست: وضعیت موجود، انتشارات انجمن جغرافیایی ایران، تهران.
۲۴. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۱)؛ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد دوم، ترجمه سید مهدی حسینی متین، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۲۵. کوهن، کارل (۱۳۷۳)؛ دموکراسی، مترجم: فریبرز مجیدی؛ تهران: نشر خوارزمی.
۲۶. قالیباف، محمدباقر؛ یاری، اسلام؛ رمضان‌زاده، مهدی (۱۳۸۷)؛ تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه، فصلنامه ژئوپلیتیک - سال چهارم، شماره دوم، تابستان.
۲۷. واعظی، محمود (۱۳۸۷)؛ ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

28. Gadal Sébastien & Jeansoulin Robert, Borders, frontiers and limits: some computational concepts beyond words, 2003, formalisation sémantique.
29. http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/7/7e/Kurdish_Language_Map.PNG/4.
30. Microsoft Student with Encarta Premium 2009 DVD.
31. Neocleous, M (2006); 'From Social to National Security: On the Fabrication of Economic Order', Security Dialogue.
32. Mojtahed-zadeh, Pirouz (2006); Boundary politics and International boundary of Iran, Universal Publisher Boca Raton, Florida, USA.